

فصل ۱۵: ویژگی‌های اهل آخرت و پاره‌ای از نعمت‌های معنوی و اخروی که خداوند متعال به آن‌ها ارزانی می‌دارد

يَا أَحْمَدُ! إِنَّ أَهْلَ الْآخِرَةِ رَقِيقَةٌ وُجُوهُهُمْ، كَثِيرٌ حَيَاؤُهُمْ، قَلِيلٌ حُمُقُهُمْ، كَثِيرٌ نَفْعُهُمْ، قَلِيلٌ مَكْرُهُمْ ...

ای احمد! اهل آخرت چهره‌هایی متواضع دارند، حیای آن‌ها فراوان، کم‌خردی‌شان ناچیز و سودشان سرشار و مکرشان اندک است ...

ادامه‌ی فراز ۷۴: کمک و سودرسانی

كَثِيرٌ نَفْعُهُمْ.

سودشان بسیار است.

آثار و پاداش نفع رسانیدن به دیگران

مرور مطالب گذشته

موارد اول و دوم مطرح شد. مورد اول رفع کدورت‌ها و مورد دوم تولید عوامل بالابرنده بود.

گفته شد که این نکته‌ی محوری را مدنظر داشته باشیم که ما در پیدا کردن اعمالی که در سیروسلوک مقرب تر هست باید به آثار توجه بکنیم. در میان اعمال عبادی به آثار عملی که نگاه می‌کنیم در روایات و قرآن نماز بالاترین و

مقرب‌ترین عمل است؛ حتی بالاتر از جهاد. و در میان اعمال اجتماعی هم بالاترین عمل همان نافع بودن و خدوم بودن در قبال دیگران است.

این روایت شریفه در کتاب الحجة کافی است: «لما خلق الله الإيمان قال اللهم قوني، فقواه بالجود و حسن الخلق» وقتی که خداوند ایمان را خلق کرد در عالم ملکوت ایمان به پروردگار عرضه داشت که پروردگارا یاورهای مرا بفرست. یعنی گویی دو بال ایمان یکی جود است و یکی حسن خلق. در مورد کفر هم همین را داریم که با بخل و سوء خلق تقویت شد. در ادامه‌ی روایت هم در مورد کفر همین مطلب را داریم که با بخل و سوء خلق او را یاری کرد. پس معلوم می‌شود این سودرسانی بسیار یک مسأله‌ی محوری است در سیر به سوی توحید.

پس از فهم اصل مطلب به سراغ آثاری می‌رویم که در کتاب آمده است. اصل مطلب همان بود که گفته شد. این را هم بگوییم که در آیه‌ای که از سوره‌ی مبارکه‌ی لیل خوانده شد این تصور نادرست است که اعطاء فقط دادن است. در ریشه‌ی آن هم هست که اعطاء عبارتست از: چیزی را از خود جدا کردن به انحاء گوناگون. به تملیک به قرض و به انحاء دیگر مثل کمک علمی یا مشاوره یا حسن خلق. تمام این‌ها

سوم: ایجاد نورانیت برای مؤمن

یک عمل مقرب دو علامت باید داشته باشد. یک علامت این است که انسان وقتی عمل می‌کند باید نورانیتش شدید باشد. به اصطلاح می‌گویند که در میان سایر اعمال مقرب‌تر است. از طرف دیگر باید پاک‌کنندگی اش خیلی شدید باشد. بعبارت دیگر باید بنده را هم پاک کند و هم نورانیت مراتب بالاتر را به او بدهد. روایات متعدد داریم در مورد اعمالی که هر دو بعد را دارد. برخی اعمال هم فقط یک بعد را دارد. مثلاً صمت (کم صحبت کردن) فقط کدورت را زایل می‌کند ولی نورآفرین نیست. نور آفرین نیست. جوع (گرسنگی) همین طور است. اما صوم نور هم می‌آفریند. لذا صوم را از جوع جدا می‌کنند. نماز هر دو بعد را دارد. از این جهت انفاق هم تالی تلو کتاب است که هر دو بعد را دارد.

۱۰۸۳. عن أبي عبد الله - عليه السلام - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم -:

«أحبُّ الأعمالِ إلى الله سرورٌ تدخله على مؤمنٍ تطرد عنه جوعته أو تكشف عنه

كربته.»

وقتی می فرماید أحب الأعمال یعنی نورآفرین ترین.

۱. الإمام علي عليه السلام: «وَقَضَاءُ حُقُوقِ الْإِخْوَانِ أَشْرَفُ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ»^۱

این روایت قبلاً هم خوانده شد.

امام مجتبی علیه السلام در اول وقت در محراب آماده‌ی نماز بودند و سائلی آمد و رفتند و کار او را انجام دادند و برگشتند نماز را خواندند و فرمودند فضیلتی که به دست آوردم بالاتر از نماز اول وقت بود. نکته این جاست که فضیلتی که نفع رسانیدن دارد در حدی است که در تزامم بین آن و نماز اول وقت حضرت

روایت دیگری به این مضمون داریم که کسی که گرفتاری را می‌توانست و حل نکرد بین او و بهشت هفتاد دیوار قرار می‌گیرد که برای طی هر دیوار هزار سال باید راه طی کند و امثال این. البته این روایات معنا دارد و باید در جای خودش بحث شود.

۱۰۸۶. عن أبي عبد الله - عليه السلام - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم -:

«من أكرم أخاه المسلم بكلمة يُلطفه بها، و فرج عنه كربته، لم يزل في ظلِّ الله

المدود، عليه الرحمة ما كان في ذلك.»

^۱ میزان الحکمه، ۳۰۲/۸۸/۱

کسی که گرفتاری برادرش را ولو به یک تسلی زبانی برطرف کند دائماً در ظل الهی است. این یعنی دائماً در نورانیت است. علیه الرحمه ماکان فی ذلک یعنی تا زمانی که در حال این کار است عین این تعبیر را در مورد نماز هم داشتیم. در مورد نماز داریم که هنگام خروج از نماز به مؤمن خطاب می‌شود که اگر می‌دانستی چه رحمتی بر تو دارد می‌بارد هرگز از نماز خارج نمی‌شدی.

۱۰۸۸. عن النبی - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ، فَإِنَّمَا يُكْرَمُ اللهُ.

فَمَا ظَنُّكُمْ بِمَنْ يَكْرُمُ اللهُ أَنْ - عَزَّوَجَلَّ - يُفَعَّلَ بِهِ.»

این به خوبی نشان می‌دهد که ملاک ایمان مؤمن است. قبلاً بحث مفصلی داشتیم که مؤمن ارزشش به ایمانش است. به مراتبی که ایمان مؤمن بالا می‌رود ارزش وی بالا می‌رود تا می‌رسد به پیغمبر اکرم. احترام به مؤمن احترام به ایمان است و این احترام به پروردگار است.

سایر آثار نفع رسانیدن به دیگران در ایجاد نورانیت

اول: کم‌تر کردن گرفتاری‌های زندگی و افزایش توفیقات

ما در قرآن و به خصوص در کلمات امیرالمؤمنین در تفسیر قرآن زیاد داریم که ای انسان‌ها شما به دنیا آمید که تاجایی که می‌توانید بارتان را ببندید نه این که دنیا را آباد کنید. اگر دنیا را آباد کنید و آخرت را نه این زحمت است. چرا این قدر توصیه به زهد می‌شود؟ زهد یعنی قطع علاقه‌ی به دنیا. این به این دلیل است که وقتی می‌توانید پرواز کنید چیزی جلویتان را نگیرد. «وَإِنَّمَا أَرَادُوا بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا لِيَتَفَرَّغَ قُلُوبُهُمْ لِلْآخِرَةِ»^۲ برای این است که قلب آدم آزاد شود. راحت با عالم بالا ارتباط برقرار کند. این توصیه خیلی جدی است: سرلوحه‌ی دعای ندبه این است که با انبیاء و اولیاء زهد شرط شد و چون به آن پای بند بودند آن اشراقات و افاضات به ایشان شد. در روایت داریم که «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيِّ إِنَّ اللَّهَ زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ اللَّهِ مِنْهَا وَلَا أَبْلَغَ عِنْدَهُ مِنْهَا الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ

^۲ الکافی، ج ۲، ص ۱۲۹

أَعْطَاكَ ذَلِكَ وَجَعَلَ الدُّنْيَا لَا تَنَالُ مِنْكَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكَ مِنْ ذَلِكَ سِيَمَاءَ تُعْرَفُ بِهَا.^۳ این زینت زهد است. زینت امیرالمؤمنین زهد ایشان بود. اگر کسی این شرط را نداشته باشد اصلاً راهش نمی دهند به این مسیر.

کسی که در مسیر انفاق قرار می گیرد شرط زهد را دارد محقق می کند. لذا هر چه از محبوب تر انفاق کند این ابراز این است که من دارم قطع علائق را قوی تر انجام می دهم.

لذا وقتی ابراهیم علیه السلام نتوانست اسماعیل را قربانی کند قلباً ناراحت شد که چرا من نتوانستم این قطع علاقه را انجام بدهم. این آیه ی شریفه را که «و فدیناه بذبح عظیم»^۴ گوسفند مگر چقدر ارزش داشت که وصف عظیم و فدا شدن برای آن به کار رفت. این قابل قبول نیست. کسی که با فرهنگ قرآن انس داشته باشد این را قبول نمی کند که آن گوسفند باشد. خداوند می خواست با کشته شدن اسماعیل که تنها فرزند دلبنده ابراهیم علیه السلام بود آن هم جوانی که چقدر ایشان از خداوند درخواست کرد و چقدر ساره درخواست کرد و چقدر ایثار کرد و با آن وضعیت در بیابان رهایشان کرد و تمام این مراحل را پشت سر گذاشته است و آن هم در اوج زیبایی جوانی ، باید این را بکشی. خودت هم باید بکشی و آن هم به بدترین وضع. می خواهد بگوید باید ثابت کنی که جز به تو به کسی دیگر دل نبسته ام. کشتن اسماعیل ملاک نبود بلکه کشتن نفس اماره ملاک بود که ظهور آن در عشق به فرزندش بود. از آن طرف هم امتحان اسماعیل علیه السلام بود. ایشان تمام این را تحلیل می کند و بعد به این جا می رسد که قلب ابراهیم ناراحت است.

لذا آن چیزی که انفاق می شود خودش ارزش ندارد «لن ینال الله لحومها و لا دمائها و لکن یناله التقوی منکم»^۵ این تقوای شما مهم است. اصل انفاق مهم است. لذا سؤال می کند که «أفضل الصدقه ما هی جهد المقل» تلاش آدم نادار بالاترین صدقه است. لذا خریدن یوسف توسط عزیز مصر در تاریخ نماند ولی در صف ایستادن آن پیرزن باقی ماند. پس إعطاء مهم است نه معطی و نه معطی به.

^۳ المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۱

^۴ صافات، ۱۰۷

^۵ حج، ۳۷

لذا مرحوم علامه ذیل آیه‌ی «الذین ینفقون أموالهم باللیل والنهار سرًا...»^۶ می‌فرماید که خیلی از انفاقات ما انفاق نیست در واقع استخلاص است. یعنی می‌خواهم از شر چیزی خلاص شوم آن را انفاق می‌کنم. لذا در باب خون شهید داریم که اولین قطره‌ی خون که خارج می‌شود گناهایش پاک می‌شوند و بقیه‌ی قطرات ترفیع درجه است. لذا کسی که در این مسیر قرار می‌گیرد که انفاق کند اولین اتفاق این است که گرفتاری‌های دنیوی اش برطرف می‌شود. البته مؤمن در دنیا قرار نیست راحت زندگی کند. صحبت سر این است که مسیر سیر و سلوک برایش راحت می‌شود. در مسیر سیر و سلوک بهتر می‌تواند حرکت کند. عمر وی مفید مصرف می‌شود.

شواهد روایی

۲. الإمام الصادق علیه السلام: «مَنْ آغَاثَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ اللَّهْفَانَ اللَّهْفَانَ عِنْدَ جَهْدِهِ فَتَفَسَّ كُرْبَتَهُ وَأَعَانَهُ عَلَى نَجَاحِ

حَاجَتِهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ ثِنْتَيْنِ وَ سَبْعِينَ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ يُعَجِّلُ لَهُ مِنْهَا وَاحِدَةً يُصْلِحُ بِهَا أَمْرَ مَعِيشَتِهِ وَ

يَدْخِرُ لَهُ إِحْدَى وَ سَبْعِينَ رَحْمَةً لِأَفْزَاحِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَهْوَالِهِ»^۷

به خاطر این کار پیش خداوند هفتاد و دو رحمت باز می‌شود. اولینش این است که زندگی‌اش را آسان می‌کنند. درآمدش طوری می‌شود که مشکلی نداشته باشد. گرفتاری‌های روز قیامت را نخواهد داشت. هفتاد و یکی را هم در آخرت به او می‌دهیم.

۳. الإمام الصادق علیه السلام: «مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ الْمُسْلِمِ. كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ مَا كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ»^۸

این راحت چرخیدن یعنی گرفتاری‌هایی که مردگی ایجاد می‌کند را برطرف می‌کنم. گرفتاری‌ای هم اگر خواهی داشت گرفتاری‌ای است که تو را بالا می‌برد. ابزار سیر و سلوک می‌شود. این دید باید توحیدی باشد. در مورد آیه‌ی «من أعرض عن ذكرى فإن له معيشة ضنكا» ضنک یعنی تاریکی و کدورت نه این که پولش کم بشود.

^۶ بقره، ۲۷۴

^۷ میزان الحکمه، ۸۴۵۹/۲۴۵۰/۵

^۸ میزان الحکمه، ۴۴۵۳/۱۳۱۶/۳

۴. النبی صلی الله علیه و آله: «إِنَّ اللَّهَ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا دَامَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ وَمَنْ نَفَسَ عَنْ أَخِيهِ

الْمُؤْمِنِ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الْآخِرَةِ»^۹

یک گرفتاری را حل کنی هفتاد گرفتاری تو حل می شود.

پس این اثر اول بود.

دوم: دعای دیگران در حق انسان که مستجاب است

اولاً کلاً توصیه شده ایم که در مورد دیگران زیاد دعا کنیم. روایت داریم که پروردگار به موسی علیه السلام فرمود که بازبانی از من بخواه که گناه نکرده باشد و آن زبان دیگران است:

۵. **وَرُويَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَوْحَى إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا مُوسَى ادْعُنِي عَلَى لِسَانِ لَمْ تَعْصِنِي بِهِ فَقَالَ أَنِّي لِي بِذَلِكَ**

فَقَالَ ادْعُنِي عَلَى لِسَانِ غَيْرِكَ»^{۱۰}

دوماً خداوند می فرماید هر چه بنده مؤمنتر باشد دعایش مستجاب تر است

سوماً هر چه مؤمن در حالت استیصال بیشتری باشد دعایش مستجابتر است.

ابن عربی در فصوص در باب استجاب دعا می گوید یک نفر به من گفت که اگر مؤمن امکان ندارد دعایش مستجاب نشود پس چرا این همه دعا می کنیم و مستجاب نمی شود گفت که همین که دعا می کنی یعنی اجازه داده اند دعا کنی و این یعنی مستجاب است. به خیلی ها اجازه هم نمی دهند

ظاهراً از امام صادق علیه السلام است که حضرت در خانه ای بودند که صاحب خانه گفت که تا حالا به من ضرر نرسیده است و حضرت از خانه خارج شدند. البته سند این روایت را پیدا نکرده ام.

^۹ بحار، ج ۷۱، ص ۳۱۲

^{۱۰} میزان الحکمه، ۴/۱۶۸۴/۵۷۳۱

مرحوم آقای قاضی کرامات زیاد داشتند ولی ابراز نمی‌کردند. ایشان یک شاگردی داشتند که اهل کرامت بود و پیش ایشان آمد و گفت که مرا تحت تربیت خود بگیرید. ایشان بعد از مدتی پذیرفت. روزی ایشان با آقای قاضی کنار شط در کربلا می‌رفتند و ماهی‌ای به طور غیرمترقبه از آب درآمد و جلوی ایشان افتاد. آقای قاضی گفتند اگر می‌خواهی با ما باشی باید مثل دیگران باشی.

باید کاری بکنیم که آدم‌هایی که از همه گرفتارتر هستند برای ما دعا کنند. در انفاق دستور داریم به مؤمن محتاج گرفتار کمک کنید. این نفع برای خود ما است چون او هم برای ما دعا می‌کند و مستجاب‌ترین دعا همان است.

آیه‌ی شریفه می‌فرماید «من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً» می‌شود این طور معنایش کرد که کارهایت را طوری بکن که نزد پروردگار امانت بماند. این را در روز واپسین پروردگار به تو پس می‌دهد. اگر من به یک مؤمنی کمک کردم این بلافاصله به حساب من می‌رود نزد پروردگار

۶. النبی صلی الله علیه و آله: «أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ إِمَامٌ عَادِلٌ وَالِدٌ لَوْلَدِهِ وَالرَّجُلُ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ وَ

الْمُظْلُومُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَعِزِّي وَجَلَالِي لَا تُنْتَصِرَنَّ لَكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ»^{۱۱}

چهار گروه هستند که دعایشان حتماً مستجاب می‌شود:

اول امام عادل است. مستحب است که امام جمعه در خطبه‌ها حتماً برای امت دعا کند. به خصوص در پایان خطبه. امام جمعه در جایگاه رهبری است.

دوم دعای پدر در حق بچه‌اش. هر چه پدر ضعیف‌تر و پیرتر و ناتوان‌تر می‌شود باید بیشتر خودش را در معرض دعای خیر او قرار دهد. النبی صلی الله علیه و آله: «إِيَّاكُمْ وَدَعْوَةَ الْوَالِدِ فَإِنَّهَا أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ»^{۱۲} دعای پدر از شمشیر تیزتر است. لذا متوکل که جسارت کرد و پسرش خواست او را بکشد حضرت فرمودند بدان که این کار ذاتاً عمر را کم می‌کند.

^{۱۱} میزان الحکمه، ۵۶۹۵/۱۶۷۶/۴

^{۱۲} میزان الحکمه، ۵۶۹۴/۱۶۷۶/۴

سوم این است که یک مؤمن در حق برادر مؤمنش دعا کند. اگر زمینه را ایجاد کردیم. بیایید در زندگی طوری زندگی کنیم که باعث لعنت دیگران نشویم. هر کاری که باعث آزار و در نتیجه نفرین دیگران بشود این نفرین دعای دیگران در مورد ماست و این قطعاً مستجاب است. متقابلاً اعانت و کمک به دیگران داشته باشیم به خصوص به ذوی القربی. یعنی انسان کاری کند که ذوی القربی در حق انسان دعا کنند.

بالا تر از همه و چهارمین کسانی هستند که مظلوم هستند. یعنی کسی که مورد ظلم انسان واقع شود و مظلوم در مورد ظالم دعا کند. خداوند می فرماید که حتماً او را کمک می کنم ولو بعد از گذشتن مدتی.

سرفصل های جلسه ی آینده:

دعای بچه ها: ایتم را به خصوص توصیه می کنند.

دعای ائمه ی هدی علیهم السلام: ائمه بیشتر از فقیری که به او کمک می شود خوشحال می شوند و در حق او دعا می کنند. این مضمون روایت است.